رادیو فردا

سه شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۳ تهران ۱۶:۲۳

سیاسی

جزئیات تازه از کشته شدن بهار خورشیدی، معترض ۲۳ ساله، در پی هجوم ۱۲ مأمور حکومتی

۱۹/مرداد/۱۴۰۲

فرشته قاضی

وقتی آل پاچینو در فیلم «صورت‌زخمی» (۱۹۸۳) این دیالوگ را می‌گفت که «شما مردم به آدمایی مثل من نیاز دارید تا بتونید انگشتای لعنتی‌تون رو بگیرید طرفش و بگید این اون آدم‌بده است»، در خیالش هم نمی‌گنجید که چهل سال بعد این جمله معرّفِ یکی از دخترانی خواهد شد که در اعتراضات «زن زندگی آزادی» ایران کشته می‌شود.

این همان جمله‌ای است که بهار خورشیدی در پروفایل اینستاگرام خود، پس از «من نقاشی می‌کنم»، در معرفی خود نوشته بود.

بهار (رقیه) خورشیدی، متولد ۱۳ آذر ۱۳۷۸، نقاش و مدرس زبان انگلیسی بود. او اول مهر ۱۴۰۱ در پی یورش مأموران امنیتی به خانه‌اش در رباط کریم کشته شد؛ دختری جوان که قرعه‌کشی کارت سبز (لاتاری) آمریکا را برنده شده بود اما، به‌گفتهٔ نزدیکانش، جانش را در ایران و برای آزادی از دست داد، خانه‌اش پلمب شد و خانواده‌اش مجبور شدند شهر سکونت خود را تغییر دهند.

رادیوفردا در گفت‌وگو با شاهدان عینی و نزدیکان بهار خورشیدی به جزئیات تازه‌ای از کشته‌شدن او و فشارهای امنیتی به خانواده‌اش دست یافته است.

نزدیکان بهار خورشیدی به رادیوفردا گفته‌اند که «از وقتی مهسا امینی شهید شد، او هم توی این دنیا نبود. همیشه گریان بود و هیچ جور نمی‌توانستیم او را آرام کنیم. پدرش به او گفته بود حالا که داری می‌روی آمریکا، خطر نکن. اما پاسخ داده بود که آمریکا دیگر برایم مهم نیست؛ هم‌سن‌های من دارند این‌جا جان خود را برای آزادی از دست می‌دهند».

اول مهر ۱۴۰۱ مأموران امنیتی برای بازداشت بهار به مجتمع مسکونی صدف در شهر رباط کریم هجوم می‌برند. یک شاهد عینی به رادیوفردا گفته است: «تعدادشان زیاد بود. زنگ‌های واحدها را می‌زدند و کسی نمی‌دانست چه اتفاقی دارد می‌افتد. با خشونت وارد مجتمع شدند. اسلحه دست‌شان بود و همه ترسیده بودند. هیچ توضیحی نمی‌دادند. بعد از چند دقیقه صدای فریادهای بهار را که با خانواده‌اش در طبقهٔ چهارم زندگی می‌کرد، می‌شنیدیم.»

به‌گفتهٔ این شاهد عینی، «از این فریادها فهمیدیم که برای بازداشت بهار آمده‌اند. او مقاومت می‌کرد. حاضر نبود با مأموران برود. صدای مأموران که تهدید می‌کردند با صدای فریادهای بهار توی مجتمع می‌پیچید. یک‌باره صدای افتادن چیزی آمد و بعد دیدیم بهار از پنجره به پایین پرت شده. خیلی وحشتناک بود. دقیقاً همان موقعی بود که محمد (پدر بهار) رسیده بود جلوی مجتمع. بهار افتاد همان‌جا».

نزدیکان بهار خورشیدی به رادیوفردا گفته‌اند که وقتی مأموران امنیتی وارد خانهٔ او شدند، برادر ۱۲ ساله و خواهر ۷ ساله‌اش در خانه حضور داشتند و در حضور آن‌ها مأموران، به‌دلیل مقاومت بهار، با او درگیر شده‌اند و این درگیری و کشمکش منجر به پرت شدن بهار از پنجرهٔ طبقهٔ چهارم و کشته‌شدن او شده است.

بهار خورشیدی، به‌گفتهٔ نزدیکانش، در اعتراضات حضور فعال داشت و کاغذنوشته‌های اعتراضی با مضمون «زن زندگی آزادی» و نام مهسا امینی را بر دیوارهای شهر می‌چسباند.

یکی از نزدیکان او به رادیوفردا گفته است که همان روز یعنی اول مهر، «مادر و خواهر بهار را گرفته بودند. برده بودند پایگاه. پدر بهار برای پی‌گیری رفته بود. در همین فاصله به خانهٔ آن‌ها ریختند. ۱۲ مأمور برای بازداشت یک دختر که او را تعقیب و شناسایی کرده بودند، ریخته بودند خانهٔ آن‌ها.»

به‌گفتهٔ او، «در پایگاه به پدر بهار گفته بودند که مادر و خواهر بهار باید بازجویی شوند و او باید برود و تا دو ساعت دیگر آزادشان می‌کنیم. پدر بهار بی‌خبر از همه جا به خانه برمی‌گردد. وقتی از ماشین پیاده می‌شود، صدای فریادهای بهار را می‌شنود که در کل مجتمع بلند بود. توی خانه دنبال بهار کرده بودند و با او درگیر شده بودند. وقتی پدر بهار به بالا نگاه می‌کند تا ببیند چه خبر است، بهار از پنجره پرت می‌شود».

به‌گفتهٔ شاهدان عینی و نزدیکان بهار خوشیدی، بهار به بیمارستان منتقل می‌شود و جانش را از دست می‌دهد و همزمان، مأموران امنیتی خانهٔ این خانواده در مجتمع صدف را پلمب می‌کنند.

مادر و خواهر بهار که همان روز آزاد شده بودند مجدداً بازداشت می‌شوند و یک روز بعد آن‌ها را رها می‌کنند.

پیکر بهار، به‌گفتهٔ نزدیکانش، با حضور مأموران امنیتی در امامزاده باقر در صالحیه نزدیک رباط کریم به خاک سپرده شد و به خانوادهٔ او اجازهٔ برگزاری هیچ مراسمی ندادند: «خانواده را این‌قدر تحت فشار گذاشتند که ناچار شدند از رباط کریم بروند. می‌گفتند بهار لیدر بوده و اتهامات عجیبی به این خانواده زدند. برای خواهر بهار هم پرونده‌سازی کردند. بعد گفتند که بهار خودکشی کرده. خانواده را تحت فشار قرار دادند که همین روایت ساختگی خودکشی را عنوان کنند. آن‌ها هم در نهایت برای حفاظت از سه فرزند دیگرشان، دو خواهر و یک برادر بهار، رفتند و به شهر دیگری مهاجرت کردند.»

یکی از نزدیکانش می‌گوید: «یک مراسم بی‌سروصدا و خیلی محدود در منزل مادربزرگ بهار برگزار کردند. در غریبی کامل. درحالی‌که بهار همه چیز داشت. لاتاری آمریکا دستش بود. می‌توانست راحت برود، اما بعد از کشته شدن مهسا امینی گفت نمی‌تواند. کاری هم نکرده بود. معترض بود. دست‌نوشته‌هایش را به دیوارها می‌چسباند، اما جانش را گرفتند.»

به‌گفتهٔ نزدیکانش، «مدرس زبان و مترجم زبان انگلیسی بود. فیلم‌هایی از جمله دکستر را ترجمه کرده بود. هنرمند بود. طراح و نقاش ماهری بود. مدرک امدادگری هلال احمر هم داشت. اما بیش از همهٔ این‌ها معترض بود».

بیشتر در این باره:
شناسایی هویت ۳۷۳ تن از کشته‌شدگان در ۲۵ استان

آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان اعتراضات سراسری «زن زندگی آزادی» در سال ۱۴۰۱ در دست نیست, اما رادیوفردا تاکنون موفق شده است هویت ۳۷۳ تن از کشته‌شدگان را از میان آمار بیش از ۵۰۰ کشته تأیید کند که دست‌کم ۵۸ نفر آن‌ها کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال و ۳۴ نفر هم زن بوده‌اند